



۲۰۱۷/۰۲/۱۵



عارف عباسی

۲۶ دلو (۱۵ فبروری)

باید به حیث روز استرداد استقلال افغانستان تجلیل گردد!

این روز که مصادف با خروج قوای متجاوز و اشغالگر شوروی از افغانستان است، ۱۵ فبروری سال ۱۹۸۹ میلادی،



باید به حیث روز استرداد استقلال افغانستان اعلام و با جشن شاندار و با شکوه تجلیل گردد. با کمال تأسف تا حال نفوذ سیاسی شوروی دیروز و روس امروز بر متفکرین سیاسی ما سایه انداخته اصلاً به اهمیت و عظمت این روز در تاریخ کشور ما توجه لازم صورت نمی‌گیرد و این افتخار شاندار ملت قهرمان افغانستان را با جنایات قدرت طلبی، زمین جویی و فساد رهبران تنظیمی و ایجاد شرائط بی‌نهایت غم انگیز، وحشتناک و ددمنشانه آنها ارتباط داده و تصور می‌گردد که واقعاً ۸ ثور روز آزادی و نجات افغانستان

است و پدیده‌های این دور شوم، سیاه و تاریک با همه جنایات نقض علنی حقوق بشر افتخار بس بزرگ تاریخی این ملت را به یغما ببرد. نی! این طور نیست، ۸ ثور روز به قدرت رسیدن خود فروختگان و اجیران پاکستان است نه روز آزادی افغانستان. خروج شرمسارانه و سرافکننده شوروی با شکست و بی‌آبرویی از خاک مقدس افغانستان مبین یک واقعیت است و آن پیروزی ملت افغانستان در در هم شکستن دومین زنجیر استعمار و حصول استقلالش است.

لطفاً به خاطر این قربانی بی‌نظیر، این شهامت و شجاعت برانزده با عظمت و ماندگاری این رویداد پر افتخار تاریخی، این که فرزندان افغان به نام پرچمی و خلقی در حق وطن و مردم خود چه کردند، و دیگرانی خون فروش و جهاد فروش چه جنایاتی را مرتکب شدند کنار بگذارید و اجازه ندهید که این جنایات وحشت‌ها و بربریت‌ها وطن‌فروشی‌ها این ماحصل قربانی یک ملت را تحت الشعاع خود قرار دهد.

بعد از مبارزات آزادی‌خواهی الجزایر در برابر فرانسه و قربانی ۱۵۰۰۰۰۰ رزمنده و مبارز آزادی‌خواه الجزایری جنگ استقلال افغانستان از لحاظ مدت، تعداد تلفات جانی و خسارات مالی دومین نهضت آزادی‌خواهی در ممالک اسلامی علیه استعمار بوده.

در سال ۱۹۷۸ دو شاخه مجزای یک جریان چپ‌گرا پیرو و دستور بردار شوروی به استیذان و فرمان کرملن متحد گردیده توسط یک کودتای نظامی که حمایت کامل شوروی را با خود داشت زمام قدرت را بدست گرفته رئیس جمهور مملکت را با اعضای بیگناه خانواده اش به شمول زنان و اطفال خورد سال به نحو فجیع و وحشیانه به قتل می‌رساند. این حزب که اصلاً جای پای در جامعه نداشته و از هیچ نوع پشتی بانی مردمی و اعتبار اجتماعی برخوردار نبود استقرار و بقایش اهمیت بسزا پیدا کرده و در صدر سیاست زمامداری قرار گرفت لذا با غره بودن به قوای عصری

نظامی و سازمان های مخوف امنیتی و استخباراتی و اطمینان به حمایت کرملن به اقداماتی به نام ترقی و نهضت زیر شعار انقلاب مبادرت می ورزد که منافعی جمیع ارزش های ملی، دینی و سنتی مردم بوده تار و پود روابطی که ساختار اجتماعی بر بنیاد آن استوار بود با روش های نابخردانه و عاقبت نیندیشانه متلاشی می گردانند و جا نشین آن گروه هرزه، بدنام و اوباش هر محل به نام سازمانی ماشیندار بر شانه گذاشته در پی برپادی، زجر و عذاب مردم می آیند. این اعمال که با خشونت، جبر و زور، وحشت و بربریت بر مردم تحمیل می گردد که نه تنها با مخالفت مردم عادی، دین گراء و عنعنه پرست افغانستان مواجه می گردد بلکه باعث تحرک احساسات اقشار منور و روشنفکر مملکت گردیده مخالفت های درونی و نهانی شکل گرفته و بسیج می گردد. بررسی احوال، چنین نتیجه بار آورد که هدف اصلی این نظام استقرار، استحکام و استمرار رژیم توسط خشونت، ارعاب و دهشت بوده اگر به مخالفت سری بالا می شد آن سر را می بریدند. و از خورد و کلان نظام شنیده می شد که کار ساز واقعی و قدرت بزرگ انکشافی شوروی برای اعمار کشور در راه است و خود در تعقیب مرام ثبات و استقرار نظام با ایجاد ترس و واهمه بین مردم بوده بی گناهان را دستگیر و در شکنجه گاه های اهریمنی خود تعذیب می نمودند. صدای چیغ و فریاد هزاران محکوم بی دفاع از مراکز شکنجه اداره استخباراتی در پایتخت و ولایات بلند بود از محاکمه و دادخواهی خبری نبود. به هزارانی از خانه های شان بیرون کشیده شدند ولی باز نگشتند و به اصطلاح زنده و مرده شان نا پدید شد. موسفیدان اقوام و کلان شونندگان هر محل از اوج آسمان از طیاره پرتاب شدند و بسی در دریاب های خروشان غرق شده، به گلوله بستن مردم یک تعامل عادی بود. قبل از تجاوز و اشغال شوروی بطور تخمین ۵۰۰۰۰۰ افغان از هر قشر جامعه افغان کشته شده بود.

ولی به هر پیمانۀ که دولت بر سر اقتدار انواع وسائل و مظالم را برای خاموش ساختن شعله های فروزان سر به آسمان کشیده ملت با غرور و با شهامت افغان بکار گماشت نهضت مخالفت و مقاومت به شکل مدنی و غیر مسلح و مقاومت های مسلح چندین برابر اضافه شد.

روزانه از هر میدان هوایی طیارات بمب افکن به هر سمت مملکت در پرواز بوده و صدها تن بمب های آتش افزا و ویران کن را بر شهر ها، قری و قصبات می ریختند شهر را ویران می کردند زمین، مزرعه و باغ مردم را به آتش می کشیدند. طیارات غول پیکر، هلیکوپترهای توپ دار و تعبیه شده با ماشین دارهای ثقیل به ارتفاعات کم پرواز نموده با درب های باز همین فرزندان خلقی و پرچمی افغان هموطن خود را در حال فرار نشانه گرفته و از پا در می آوردند. مردم را به بهانه مذاکره جمع نموده بر آنها با قوت مدّش آتش حمله می کردند و زنان باسرف کتر برای حفظ شرف و ناموس خود را به دریا افکندند. منابع غذایی، کشتزار ها و شبکه های آبیاری را ویران کردند و منابع آب آشامیدنی را زهر آگین نمود به صدها کشتند و در گودال ها بر اجساد شان خاک ریختند.

هر ظلم و هر جنایت و هر نوع وحشت و بربریت سر با غرور افغان را در برابر این نظام مزدور و خود فروخته خم نساخت و با گذشت هر روز نقاب های دروغین از روی این عوامفریبان برداشته می شد و نفرت و انزجار مردم بر علیه شان فزونی می گرفت. همه اقشار جامعه به نحوی در نهضت مقاومت سهم گرفته پروفسور، معلم، محصل، شاگرد دختر و پسر مکتب، ملا، مولوی، و روحانی چلی و طالب کارگر، دهقان چوپان اهل کسبه و حمال و نانوا و دست فروش علیه این نظام دست نشاندۀ اجنبی قیام کردند.

جنبش های مخالفت و قیام های مردمی با قبول هر نوع فداکاری در سرتاسر مملکت توسعه یافت و محلات یکی پی دیگر تحت تسلط مبارزین ملی قرار گرفت مأمورین بلند رتبه ملکی و نظامی رژیم توسط مبارزین ملی از بین برده

شدند و این بار ملت افغان نبود که می ترسید بلکه اراکین دولت با تمام محافظین و ترتیبات امنیتی در خوف و هراس می زیستند، مقاومت شدید و سرتاسری عرصه زندگی زمامداری حزب دموکراتیک خلق را که انشعاب کرده و پرچمی ها برکنار و زندانی شده بودند ایجاب تدبیر آنی را می نمود.

گرچه رهبران حزب در آغازین کار به شمول نورمحمد تره کی تقاضای کمک نظامی را از شوروی نموده بودند ولی احوال به نحوی انکشاف نمود که شوروی زوال این نظام را لطمه بزرگی به قدرت امپراتوری و نظام شورا ها دانسته در اوائل دسمبر سال ۱۹۷۹ اراکین بلند رتبه کرملن تحت ریاست لئونید برژنف تشکیل جلسه داده و مداخله نظامی شوروی را بر افغانستان تصویب نمودند. مقدمات تدارکی اتخاذ و قوت های مقدم جبهه کشف و استخباراتی به افغانستان گسیل گشت.

شوروی برای تجاوز بر افغانستان فرقه نمبر ۴۰ خود را آراسته نمود، قطعه ایکه از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در برابر آلمان ها جنگیده و یک قوت کار آزموده محاروبی بود و بعد از ختم جنگ جهانی دوم این قطعه مجهز با عصری ترین سلاح گردیده و واحد های قوت های مجهز و عصری هوایی به آن ملحق گردید. طول و تفصیل تجهیزات این فرقه با وسائط میکانیزه، موتر ریزه، تانک، توپچی و راکت های دور پرواز و میانه پرواز و عصری وسائل مخابراتی از حوصله این بحث خارج است.

شوروی قدرتی به افغانستان سوق داد که باید در سنتیز با ابر قدرت نظامی دیگر می فرستاد. مبصرین نظامی این سوقیات وسائط ثقیله را در برابر یک نبرد چلیکی اشتباه بزرگ شوروی خواندند و لو که برای تضعیف روحیه مخالفین بوده باشد.

بهر حال شوروی با تمام قوت، هیبت و جبروت نظامی برای تصرف افغانستان داخل معرکه شد گرچه ارقام رسمی شوروی تعداد افراد را ۸۰۰۰۰۰ می گوید ولی با افزودن پیاده نظام قطعات جمهوریت های اسلامی و قطعات کشف و اکمالاتی تعداد حقیقی آن (منابع غربی) به ۱۵۰۰۰۰۰ می رسد و عساکر و صاحب منصبان خورد رتبه تلقین شده بود که با امریکایی ها، چینیایی ها و پاکستانی ها می جنگید ولی در میدان عمل دریافتند که طرف مقابل شان مردمان بی دفاع، گرسنه و پا برهنه زنان و اطفال افغان اند. شوروی آمد که کار ناتمام حزب دموکراتیک خلق را تمام نموده مخالفین را یک سره قلع و قمع کرده برای شان یک افغانستان تسلیم شده، سر به زمین نهاده و در غل و زنجیر اسارت کشیده شده بوجود خواهد آورد، و افغانستان در قلمرو امپراتوری شورا ها مثل صد های دیگر پیوسته و در ردیف اقمار دیگر در محور کرملن خواهد چرخید و مفکوره های برگشت ناپذیری انقلابات کمونستی و عظمت زمین لرزان اردوی سرخ تحقق خواهد یافت.

ملت سر سپرده و آزادی پرست افغانستان که در قرون متمادی در شاهراه خون و آتش زیسته بودند از مدرس زمان یک درس ماندگار آموختند که اگر فقیری، نادار و بی نوا ولی آزادی چه جوهر زندگی در آزاد زیستن است و بر زندگی در بردگی مرگ شرف دارد، عشق وطن در عروق و شرائین شان در جریان بود و هر دشت و دمن و کوهسار وادی و دره و دریا بیش قرن ها حماسه های آزادی خواهی نیاکان شان در گوش های شان زمزمه نمود.

همین ارزش های سترگ ملی بود که این ملت با بیل و کدال و سیخ تنور و شمشیر زنگ زده و تفنگ های عتیقه در برابر مجهزترین قوت نظامی شوروی به پا ایستاد، به خدا که نترسیدند و نلرزیدند و با بوسیدن قرآن در صبحگاهان مرگ را پذیرفته بودند.

شوروی بی نهایت بیرحمانه برای شکست مردم افغانستان از هر وسیله آتش افزا و ویران کن و هر دسیسه و حيله و تزوير کار گرفت ولی سرنوشتش در این ملکی که ایمان فلک داده به باد رقم خورد. این قدرت جهانی ماشین جنگی شوروی ولو که دو ملیون را کشت و پنج ملیون را آواره ساخت و خبره و اهل دانش افغانستان را متواری کرد و افغانستان را به توده های خاک تبدیل نموده زیربنا و سر بنایی نماند و همه مردم را محتاج لقمه نانی ساخت قحطی سرتاسری حکمفرما بود نتوانست صدای آزادی خواهی ملت افغان را خفه کند.

تحول خارق العاده و تغییر وضع و ظفر قطعی آزادی خواهان افغانستان:

دیگرانی بودند که با شوروی تصفیة حساب گذشته داشتند و از شکستی که خورده بودند سخت عاصی و کفروی بودند، برای مدتی چون گرگسان از بلندی ها این قیام افغان ها بررسی نمودند و دریافتند که چرا این احساسات را استثمار نکرده بدون رویارویی با حریف با مصرف کم توسط این مردم لنگ خاک نکنیم. چون تنور داغ دیدند نان خود پختن گرفتند، این بود که پای امریکا در این غائله کشانیده شده و جنگ افغانستان به داعیه اسلامی تبدیل شد. کمک های نظامی و مالی بیشماری سرازیر شد و یگانه وسیله ای که کمر قدرت هوایی شوروی را بشکست دسترسی مبارزین به راکت ضد هوایی ستنگر بود. اصلاً بمباردمان های هوایی نیروهای بسیار قوی و مدهش مبارزین را سخت بیچاره ساخته بود گرچه در زمین وسائط زنجیر دار و تانک های ثقیل کاری را از پیش برده نتوانستند ولی سقوط طیارات گران قیمت شوروی مسیر جنگ را تغییر داده قوت های زمینی حمایت هوایی را از دست دادند و جنگجویان افغان با راکت های ضد تانک که از قوای حکومتی بدست آورده بودند قطارهای تانک و موتر ریزه را نابود کردند. سقوط متواتر طیارات شوروی و عقب نشینی های زمینی تلفات جانی و فشار و عکس العمل سیاسی جهانی قدرت اقتصادی و نظامی و سیاسی شوروی را به شکست مواجه گردانیده دوام این جنگ را به سود خود ندیده بعد از مرگ برژنف سیاست مداران واقع بین تری روی کار آمدند که میز مذاکره را بر دوام جنگ به نفع شوروی یافتند.

همان گونه که استرداد استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ از استعمار انگلیس افتخار آفرین است و آن مبارزه شرائط خاص خود را داشت که سلطنتی بود و قوای نظامی و صاحب منصبان عالی رتبه به حیث قوماندان جبهه و قوت های ملی مبارز ولی از لحاظ مدت و تلفات و ختم جنگ در اثر یک توافقنامه سیاسی با این قیام متفاوت بوده حکومت بر سر اقتدار همدست و همکار و تحت الحمايه مملکت متجاوز و استعمار گر قرار داشت. قوای منظم و مسلح وجود نداشت و قوماندانان جبهه از میان مردم برخاستند. البته نمی توان از کمک های سرشار بیرونی و داوطلبان رزمنده ممالک اسلامی در نهضت مقاومت افغان ها علیه شوروی چشم پوشید ولی از کمک های مالی چیزی نصیب مبارز افغان و خانواده های شان نشد. و سوء استفاده های پاکستان در موقفی که داشت و بهره برداری رؤسای تنظیمی از کمک های بین المللی بحث جداگانه است.

این نهضت پیامد های بس بزرگ در جنوپولیتیک دنیا داشت و قربانی و بربادی افغانستان عامل اصلی متلاشی شدن امپراتوری شوروی و انحطاط فلسفه و مکتب مارکسیزم و لیننزم شده صدها کشور از یوغ اسارت شوروی رهایی یافته بیرق های شان در مقابل تعمیر ملل متحد به حیث ممالک مستقل به اهتزاز در آمد. نیرو بخش صدای ریگن فقید بالای گوربچف که دیوار برلین را چپه کن خون دو ملیون افغان بود.

این که ما خود از این قربانی نه آموختیم و به نفع و عمران و آسایش مردم خود استفاده نکردیم و سی و چند سالی است که غرق بدبختی و مصیبت استیم در این مورد بسیار گفته و نوشته شده.

پایان کلام که افغانستان استقلال دومش را از شوروی گرفت و روز ۲۶ دلو روز استقلال کشور است که باید تجلیل گردد.

پایان